

توهم آزادی: از حقوق سخت به دست آمده تا سرکوب به نام وفاداری ژئوپلیتیکی

«توهم آزادی تا زمانی ادامه خواهد یافت که حفظ این توهم سودآور باشد. در نقطه‌ای که حفظ توهم بیش از حد گران شود، آن‌ها فقط پرده‌ها را کنار خواهند زد، میزها و صندلی‌ها را از سر راه برخوانند داشت و شما دیوار آجری پشت صحنه تئاتر را خواهید دید.»

این کلمات، که به فرانک زاپا، موسیقی‌دان و منتقد اجتماعی غیرمتعارف در اواخر دهه ۱۹۷۰ نسبت داده می‌شود، بدبینی عمیقی را در مورد شکنندگی آزادی‌های دموکراتیک به تصویر می‌کشد. استعاره زاپا پیشنهاد می‌کند که جلوه‌های آزادی — آزادی بیان، تجمع و اعتراض — نه ذاتی یا ابدی، بلکه عناصر نمایشی هستند که توسط کسانی که در قدرت هستند تنها تا زمانی حفظ می‌شوند که به منافع گسترده‌تر کنترل، سود یا ثبات خدمت کنند. وقتی مخالفت این پایه‌ها را تهدید کند، نمای ظاهری فرو می‌ریزد و مکانیسم‌های اقتدارگرایانه زیر آن آشکار می‌شود. در زمینه بحران جاری غزه و اثرات موجی آن در دموکراسی‌های غربی، بینش زاپا به طرز وحشتناکی پیش‌بینی‌کننده به نظر می‌رسد. این مقاله بررسی می‌کند که چگونه حقوق بشر، دور از هدیه‌های خیرخواهانه از سوی دولت‌های روشن‌فکر، از طریق قرن‌ها مبارزه وحشیانه به دست آمده‌اند؛ چگونه کشورهای غربی مانند آلمان، بریتانیا، ایالات متحده، فرانسه، هلند و کانادا این حقوق را به طور فزاینده‌ای تعلیق یا رها کرده‌اند تا فعالیت‌های حامی فلسطین را سرکوب کنند؛ چگونه این سرکوب داخلی وضعیت فلسطینیان در کرانه باختری اشغالی را بازتاب می‌دهد؛ و در نهایت، چگونه درگیری غزه اولویت دولت‌ها و رسانه‌های غربی در حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل — که نمونه آن دکترین **Staatsräson** آلمان است — بر حقوق اساسی شهروندان خودشان را آشکار کرده است.

پایه‌های جعلی: تاریخ حقوق بشر از طریق مبارزه و فداکاری

حقوق بشر، آن‌گونه که امروز در دموکراسی‌های غربی درک می‌کنیم، نه ایده‌های انتزاعی اعطاشده توسط حاکمان بخشنده، بلکه میراث‌های زخمی از نبردهای بی‌امان علیه استبداد، نابرابری و ستم هستند. تکامل آن‌ها به هزاران سال پیش بازمی‌گردد، اما چارچوب مدرن از بافتی از بیداری‌های فلسفی، انقلاب‌ها و جنبش‌های مردمی که امتیازاتی را از قدرت‌های اکراه به دست آوردند، پدیدار شد. یکی از نخستین نقاط عطف که اغلب ذکر می‌شود، استوانه کوروش از سال ۵۳۹ پیش از میلاد است، یک شیء باستانی پارسی که حکاکی‌شده با فرمان‌هایی برای ترویج تساهل دینی و لغو برده‌داری در سرزمین‌های فتح‌شده، هرچند تفسیر آن به عنوان «منشور حقوق بشر» میان مورخان مورد بحث است. این شیء نمادی از شناخت اولیه است که حقوق می‌تواند جهانی باشد، نه صرفاً امتیازاتی برای نخبگان.

در اروپای قرون وسطی، منشور کبیر (Magna Carta) در سال ۱۲۱۵ نقطه عطفی در رویارویی بارون‌های انگلیسی با شاه جان بود که اصولی مانند فرآیند قانونی و محدودیت بر قدرت سلطنتی خودسرانه را برقرار کرد — اصولی که از طریق شورش مسلحانه و مذاکره به دست آمد نه لطف سلطنتی. دوره رنسانس و روشنگری این ایده‌ها را تقویت کرد، با متفکرانی مانند جان لاک، ژان-ژاک روسو و ولتر که حقوق طبیعی به زندگی، آزادی و مالکیت را به عنوان ذاتی انسان بیان کردند و پادشاهی‌های حق الهی را به چالش کشیدند. این فلسفه‌ها انقلاب آمریکا (۱۷۷۵-۱۷۸۳) و انقلاب فرانسه (۱۷۸۹-۱۷۹۹) را

سوخت‌رسانی کردند، جایی که مستعمره‌نشینان و شهروندان علیه استثمار استعماری و مطلق‌گرایی قیام کردند. اعلامیه استقلال ایالات متحده (۱۷۷۶) «حقوق غیرقابل سلب» را اعلام کرد، در حالی که اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹) برابری و آزادی بیان را تثبیت کرد — اسنادی که از خونریزی، گیوتین و سرنگونی امپراتوری‌ها زاده شدند.

با این حال، این پیروزی‌های اولیه ناقص بودند و اغلب زنان، افراد برده و جمعیت‌های بومی را مستثنی می‌کردند. قرن نوزدهم شاهد جنبش‌های لغو برده‌داری بود، مانند مبارزه فراملی علیه برده‌داری به رهبری افرادی مانند فردریک داگلاس و هریت تابمن در ایالات متحده، که به جنگ داخلی (۱۸۶۱-۱۸۶۵) و متمم سیزدهم ختم شد. سوفراژیست‌ها در بریتانیا و ایالات متحده، که دستگیری‌ها، تغذیه اجباری و تحقیر عمومی را تحمل کردند، حقوق رأی زنان را از طریق کمپین‌هایی مانند کنوانسیون سنکا فالز (۱۸۴۸) و رژه سوفراژ زنان ۱۹۱۳ به دست آوردند، که به متمم نوزدهم (۱۹۲۰) در ایالات متحده و حق رأی جزئی در بریتانیا (۱۹۱۸) منجر شد. قرن بیستم این مبارزات را در میان جنگ‌های جهانی و استعمارزدایی تشدید کرد. وحشت‌های جنگ جهانی دوم و هولوکاست اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) را در سال ۱۹۴۸ برانگیخت، که تحت رهبری النور روزولت در سازمان ملل متحد تدوین شد و آزادی‌های بیان، تجمع و حفاظت از دستگیری خودسرانه را کدگذاری کرد. این هدیه از بالا نبود؛ آن بازتاب جنبش‌های مقاومت ضدفاشیستی در سراسر اروپا بود، جایی که پارتیزان‌ها و غیرنظامیان با هزینه عظیم با اشغال نازی مبارزه کردند.

دوره‌های پس از جنگ شاهد جنبش‌های حقوق مدنی در مقابله با نژادپرستی سیستماتیک بودند: کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز مارتین لوتر کینگ جونیور در ایالات متحده با سگ‌های پلیس، شیلنگ‌های آب و ترورها روبرو شد و به قانون حقوق مدنی (۱۹۶۴) و قانون حقوق رأی (۱۹۶۵) منجر شد. در اروپا، اعتصاب‌های کارگری، قیام‌های ضداستعماری در الجزایر و هند، و شورش‌های دانشجویی مانند اعتراضات مه ۱۹۶۸ فرانسه حقوق اجتماعی و اقتصادی را گسترش دادند و بر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) تأثیر گذاشتند. اخیراً، حقوق LGBTQ+ از طریق شورش‌های استون‌وال (۱۹۶۹) و فعالیت‌های ایدز پیش رفته، در حالی که جنبش‌های بومی مانند آن‌هایی در استندینگ راک (۲۰۱۶) مبارزه‌های جاری علیه نقض حقوق زیست‌محیطی و زمین را برجسته می‌کنند. در سراسر، این حقوق «اعطا» نشدند بلکه از طریق فداکاری استخراج شدند — اعتصاب‌ها، راهپیمایی‌ها، تحریم‌ها و گاهی مقاومت مسلحانه — که به ما یادآوری می‌کند آزادی‌ها امتیازاتی از قدرت هستند، قابل لغو وقتی نامناسب شوند.

فرسایش حقوق: سرکوب دگراندیشی حامی فلسطین در دموکراسی‌های غربی

در irony تلخی، همان ملت‌هایی که این حقوق سخت به‌دست‌آمده را قهرمان می‌کنند، در سال‌های اخیر آن‌ها را به طور مؤثر تعلیق یا رها کرده‌اند تا انتقاد از سیاست‌های اسرائیلی را، به ویژه در میان درگیری غزه که از اکتبر ۲۰۲۳ تشدید شده، سرکوب کنند. این سرکوب، که توسط سازمان‌های حقوق بشر مستند شده، از طریق پلیس‌گری بیش از حد، سوءاستفاده قانونی و همسان‌سازی اعتراض مشروع با افراط‌گرایی یا یهودستیزی ظاهر می‌شود و آشکار می‌کند که چگونه آزادی‌ها مشروط به همسویی با منافع دولتی هستند.

آلمان نمونه بارز این روند است، جایی که مقامات ممنوعیت‌های کلی بر تظاهرات حامی فلسطین اعمال کرده‌اند و به سرکوب‌های خشونت‌آمیز منجر شده است. در سال ۲۰۲۵، کارشناسان سازمان ملل «الگوی مداوم خشونت پلیس و سرکوب» آلمان را محکوم کردند و به دستگیری‌های خودسرانه، حملات فیزیکی به معترضان مسالمت‌آمیز و جرم‌انگاری شعارهایی مانند «از رود تا دریا» اشاره کردند. یک دادگاه برلین در نوامبر ۲۰۲۵ حکم داد که تعطیلی کنفرانس حامی فلسطین در آوریل

غیرقانونی بود، با این حال چنین مداخلاتی ادامه دارد، از جمله تبعیدها و قطع بودجه برای گروه‌های همبستگی. حزب چپ خواستار پایان این «سرکوب» شده و هشدارهای عفو بین‌الملل در مورد خزیدن اقتدارگرایی را تکرار کرده است.

بریتانیا قدرت‌های ضدتروریسم را تحت قوانینی مانند قانون نظم عمومی (۲۰۲۳) گسترش داده و به بیش از ۹۷۰۰ دستگیری برای پست‌های «توهین‌آمیز» رسانه‌های اجتماعی در سال ۲۰۲۴ تنها منجر شده، بسیاری مرتبط با دفاع از فلسطین. اعتراضات با بازداشت‌های انبوه روبرو هستند، با صدها دستگیری در راهپیمایی‌های حامی فلسطین با استفاده از اتهامات تروریسم علیه گروه‌هایی مانند اقدام فلسطین. دیده‌بان حقوق بشر و بیگ برادر واچ این را محکوم کرده‌اند به عنوان خفه کردن آزادی بیان، اولویت دادن نظم بر حقوق به‌دست‌آمده از طریق مبارزات تاریخی مانند کشتار پیترو.

در ایالات متحده، بیش از ۳۰۰۰ دستگیری در اردوگاه‌های دانشگاهی از ۲۰۲۳-۲۰۲۵ رخ داد، با پلیس که از مواد تحریک‌کننده شیمیایی و تهدید تبعید استفاده کرد. ایالت‌هایی مانند فلوریدا ضدصهیونیسم را با یهودستیزی برابر می‌دانند، گروه‌ها را تحقیق می‌کنند و مشارکت BDS را در قراردادهای ممنوع می‌کنند و قوانین را علیه آزادی آکادمیک مسلح می‌کنند.

فرانسه مجموعه‌هایی مانند اورژانس فلسطین را تحت بهانه‌های ضدتروریسم منحل کرده، با بیش از ۵۰۰ بازداشت در تجمعات و لایحه‌های جدید که «عذرخواهی تروریستی» یا انکار وجود اسرائیل را جرم‌انگاری می‌کنند. عفو بین‌الملل این‌ها را سرکوب‌های گسترده انتقاد می‌کند، که تاریخ دولت در سرکوب مخالفت از دوران جنگ الجزایر را تکرار می‌کند.

هلند، پس از خشونت آمستردام ۲۰۲۴، پیشنهاد سلب پاسپورت از افراد «یهودستیز» — اغلب کد برای منتقدان غزه — و ممنوعیت گروه‌هایی مانند سامیدون کرد. یک نیروی وظیفه جدید به ممنوعیت‌های اعتراض منجر شده، که لغزش آلمان را بازتاب می‌دهد.

قوانین محلی کانادا در شهرهایی مانند تورنتو مکان‌های اعتراض را محدود می‌کند، با سرکوب‌های دانشگاهی و فشارهای فدرال برای ممنوعیت گروه‌های «افراطی»، که منشور حقوق و آزادی‌ها را نقض می‌کند. این اقدامات، به گفته FIDH، نمایانگر «حمله مداوم» بر حقوق اعتراض در سراسر غرب است.

موازی‌های ستم: شهروندان غربی تکرار سرنوشت فلسطینیان در کرانه باختری

این سرکوب داخلی روزبه‌روز شهروندان غربی — به ویژه کسانی در جنبش‌های حامی فلسطین — را به عنوان «دیگران» داخلی رفتار می‌کند و آن‌ها را به نظارت، خشونت و بازداشت خودسرانه‌ای подвер می‌کند که وضعیت فلسطینیان در کرانه باختری اشغالی را موازی می‌کند. آنجا، خشونت شهرک‌نشینان و بیش‌ازحد نظامی به طور چشمگیری در ۲۰۲۵ تشدید شده و رژیم ترور ایجاد کرده که معترضان غربی اکنون آن را در مقیاس کوچک تجربه می‌کنند.

در کرانه باختری، شهرک‌نشینان اسرائیلی، اغلب با پشتیبانی نظامی، حملاتی به خانه‌ها و زمین‌های فلسطینیان انجام می‌دهند، از جمله کتک‌زدن، آتش‌زدن و تصاحب زمین، با خشونت در بالاترین سطح تاریخی. گزارش دیده‌بان حقوق بشر در ۲۰۲۵ جابه‌جایی‌های اجباری از طریق «خشونت و ترس از خشونت» را مستند می‌کند، با ارتش که جوامع را با نیروی کشنده اخراج می‌کند و در جلوگیری از حملات شهرک‌نشینان شکست می‌خورد. دستگیری‌های خودسرانه در ایست‌های بازرسی روتین است: فلسطینیان تحقیر، کتک و بازداشت نامحدود بدون اتهام را تحمل می‌کنند، تحت سیستم قانونی دوگانه جایی که شهرک‌نشینان مصونیت دارند در حالی که فلسطینیان دادگاه‌های نظامی را تحمل می‌کنند. گزارش‌های OCHA جزئیات یورش‌های ویرانگر، شکنجه در زندان‌ها و محدودیت‌های حرکت را که زندگی روزانه را فرسایش می‌دهد، توصیف می‌کند، با بیش از ۵۰۰ فلسطینی کشته‌شده توسط نیروهای یا شهرک‌نشینان در ۲۰۲۵ تنها.

شهروندان غربی که این بی‌عدالتی‌ها را اعتراض می‌کنند، تاکتیک‌های مشابهی روبرو هستند: ایست‌های بازرسی پلیس در تظاهرات به توقف‌ها و جستجوهای خودسرانه منجر می‌شود؛ فعالان غیرخشونت‌آمیز کتک و سلاح‌های شیمیایی را تحمل می‌کنند، مشابه همکاری‌های شهرک‌نشین-نظامی. در آلمان و ایالات متحده، افشاگری و تهدید تبعید اخراج‌های کرانه باختری را بازتاب می‌کند، در حالی که ممنوعیت‌های بریتانیا و فرانسه بر تجمعات انکار دسترسی به زمین را تکرار می‌کند. این همگرایی ستم جهانی شده را برجسته می‌کند: همان‌طور که فلسطینیان در برابر استعمار شهرک‌نشین مقاومت می‌کنند، مخالفان غربی در همدستی در آن چالش می‌کنند، تنها برای مواجهه با خشونت دولتی که آن‌ها را تهدیدی برای همان نظم می‌داند.

بستن دایره: افشای اولویت‌های غربی توسط غزه و شکنندگی حقوق

درگیری غزه، با هزینه ویرانگر آن — ده‌ها هزار کشته و ویرانی گسترده — در نهایت آشکار کرده که چگونه دولت‌ها و رسانه‌های غربی اتحادهای ژئوپلیتیکی با اسرائیل را بر حقوق شهروندان خود که برای آن مبارزه کرده‌اند اولویت می‌دهند. **Staatsräson** آلمان — دکرین «دلیل دولت» آن که امنیت اسرائیل را به دلیل کفاره هولوکاست غیرقابل مذاکره می‌داند — این را نمونه می‌زند و سرکوب صدای حامی فلسطین را به عنوان حفاظت در برابر یهودستیزی توجیه می‌کند، حتی در حالی که کارشناسان سازمان ملل آن را تبعیض‌آمیز محکوم می‌کنند. دینامیک‌های مشابه در جای دیگر حاکم است: کمک سالانه ۳.۸ میلیارد دلاری ایالات متحده به اسرائیل نگرانی‌های آزادی بیان داخلی را برتری می‌دهد، در حالی که سیاست‌های بریتانیا و فرانسه با مواضع ناتو و اتحادیه اروپا همسو و طرفدار اسرائیل هستند.

تعصب رسانه‌ای این را تقویت می‌کند: تحلیل متر تعصب رسانه‌ای ۲۰۲۵ از ۵۴۴۴۹ مقاله یافت که رسانه‌های غربی «اسرائیل» را بسیار همدلانه‌تر از «فلسطین» ذکر می‌کنند، اولویت دادن روایت‌های اسرائیلی و کم‌رنگ کردن رنج فلسطینی. مطالعات تعصب‌های سیستماتیک را آشکار می‌کنند، مانند قاب‌بندی منفعل مرگ‌های فلسطینی در حالی که قربانیان اسرائیلی را انسانی کردن، که اولویت‌های منافع غربی دوران جنگ سرد را تکرار می‌کند. همان‌طور که رسانه‌های اجتماعی با تصاویر فیلترنشده غزه این را مقابله می‌کنند، شکست‌های رسانه‌های جریان اصلی — متهم به «سفیدشویی» توسط الجزیره — همدستی در حفظ «توهم» را آشکار می‌کند.

دیوار آجری زاپا اینجا ظاهر می‌شود: وقتی آزادی‌هایی مانند بیان، اعتراض و تحریم‌ها حمایت از اسرائیل را چالش می‌کنند، «بیش از حد گران» برای حفظ تلقی می‌شوند. افشای غزه یک حسابرسی اجباری می‌کند — آیا شهروندان حقوق اجدادشان را بازپس خواهند گرفت، یا اجازه خواهند داد صحنه فرو ریزد و اقتدارگرایی دائمی را آشکار کند؟ پاسخ در مبارزه تجدیدشده نهفته است، مبدا توهم غیرقابل بازگشت شود.

منابع

- عفو بین‌الملل. «آلمان: مقامات باید سرکوب همبستگی با فلسطین را پایان دهند.» عفو بین‌الملل، اکتبر ۲۰۲۵.
- مرکز عربی واشنگتن دی‌سی. «سرکوب دفاع از فلسطین در غرب: روندها و اقدامات مقابله‌ای.» مرکز عربی واشنگتن دی‌سی، ۲۰۲۵.
- انجمن آزادی‌های مدنی بریتیش کلمبیا. «قوانین محلی محدودکننده اعتراضات در شهرهای کانادایی.» گزارش‌های BCCLA، ۲۰۲۴-۲۰۲۵.
- بعد کانادایی. «سرکوب پلیس اردوگاه‌های دانشگاهی: نقض آزادی‌های اساسی.» بعد کانادایی، مه ۲۰۲۵.

- FIDH (فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر). «حمله مداوم دموکراسی‌های غربی بر حق اعتراض در همبستگی با فلسطین». گزارش ۲۰۲۵، FIDH.
- دیده‌بان حقوق بشر. «ایالات متحده: سرکوب اعتراضات دانشگاهی». دیده‌بان حقوق بشر، ۲۰۲۵.
- دیده‌بان حقوق بشر. «کرانه باختری: نیروهای اسرائیلی و شهرک‌نشینان خشونت و جابه‌جایی اجباری را تشدید می‌کنند». گزارش دیده‌بان حقوق بشر، ۲۰۲۵.
- گروه نظارت بین‌المللی آزادی‌های مدنی. «سرکوب سیستماتیک فعالیت حامی فلسطین در کانادا». ICLMG، ۲۰۲۵.
- متر تعصب رسانه‌ای. «تحلیل پوشش رسانه‌ای غربی درگیری اسرائیل-فلسطین، ۲۰۲۳-۲۰۲۵». مطالعه متر تعصب رسانه‌ای، ۲۰۲۵.
- دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR). «کارشناسان سازمان ملل نگران الگوی مداوم خشونت پلیس و سرکوب همبستگی با فلسطین در آلمان». بیانیه ۱۶، OHCHR، اکتبر ۲۰۲۵.
- دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (OCHA). «کرانه باختری: گزارش حفاظت از غیرنظامیان». OCHA، ۲۰۲۵.
- زاپا، فرانک. نقل قول مصاحبه که به طور گسترده در مجموعه‌های اظهارات او در مورد دولت و آزادی نسبت داده شده، حدود دهه‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۰.